



خبر

دلنتگی فرهاد اصلانی

برای فیلمسازی که صادق بود



بخش فرهنگی – فرهاد اصلانی بازیگر مطرح سینمای ایران در یادداشتی اختصاصی که در اختیار دبیرخانه شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت قرار داده از تجربه همکاری با رسول ملاقلی‌پور در فیلم «سفر به چزابه» و حال و هوای این همکاری نوشته است. فرهاد اصلانی به مناسبت برگزاری بخش «شان رسول» در شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت یادداشتی درباره رسول ملاقلی‌پور و همکاری مشترک در فیلم «سفر به چزابه» نوشت. در این یادداشت آمده است: «اولین تصویری که از رسول ملاقلی‌پور به یاد دارم، به ۲۵ سال قبل برمی‌گردد. سال ۷۴ برای بازی در فیلم «سفر به چزابه» انتخاب شدم. آن روزها جوان بودم و در آغاز مسیر بازیگری و در «روسری آبی» بازی کرده بودم. اولین ملاقاتمان در یک بعد از ظهر اتفاق افتاد، در دفتر آقای ملاقلی‌پور با هم صحبت کردیم. تمام مدت جلسه با همان نگاه نافذی که از او سراغ داریم به من خیره شده بود. آن روزها نمی‌دانستم کارگردان‌ها معمولا در این مرحله با دقت روی حرکات و رفتار بازیگر تمرکز می‌کنند تا ببینند واقعا انتخاب درستی داشته‌اند. کمی مضطرب بودم. آقای ملاقلی‌پور نگاهی عمیق و شخصیتی باجذبه داشت، که مرا تحت تاثیر قرار می‌داد. بلاخره بعد از یکی دو جلسه حضورم برای بازی در این فیلم قطعی شد. قبل از این همکاری «قق» و «پرواز در شب» را دیده بودم و سینمای ملاقلی‌پور را می‌شناختم. می‌دانستم «سفر به چزابه» فیلم سختی است. یکی از هدایا و برکات بازی در آن فیلم برای من دوستی با مسعود کرامتی عزیز بود. او بازیگری باسابقه و دوست آقای ملاقلی‌پور بود و چند فیلم با او همکاری کرده بود. اما رفتارش از من که بازیگری جوان بودم، فوق‌العاده حرفه‌ای و همدلانه بود. همنشینی با او از تجربه‌های خوب من در این فیلم است. یکی از ویژگی‌های رسول ملاقلی‌پور که او را در میان سینماگران هم‌نسل و هم دوره‌اش شاخص می‌کرد این بود که شهود بالایی داشت و گویا فیلم را قبل از ساخته شدن در ذهنش می‌دید. به کارش اشراف داشت. تکلیفش در فیلم‌های جنگی با خودش خیلی روشن بود. یک روز قبل از شروع فیلمبرداری و در مرحله پیش‌تولید سر صحنه رفتم. تریلی‌ها در حال آوردن ادوات جنگی، تانک‌ها و … به میدان بودند. خیلی آرام، خونسرد و مسلط بود. یکی دو ساعت بعد واقعا آن لوکیشن، تبدیل به میدان جنگ شد.

در کنار جریانی که آن روزها در حوزه سینمای دفاع مقدس فعال بود و جنگ را شیک و شعاری نشان می‌داد. فیلم‌های رسول ملاقلی پور سیمای خشن و واقعی جنگ را ترسیم می‌کرد. آثار او بیانگر واقعیت‌های تلخی بود که گاهی راهی به سینمای دفاع مقدس نداشت. به نظرم مخاطب عادی با فیلم‌های او واقعیت جنگ را درک می‌کرد. در نمایش احوالات انسانی، رسول ملاقلی‌پور بی‌ادعا و سینمایش واقعی، صادقانه و یگانه بود.

از نظر تکنیکی سینمای او یک سر و گردن بالاتر از بقیه فیلمسازان دفاع مقدس بود. می‌شود گفت فیلم‌هایش شبیه سینمای هالیوود بود، این هم با کمبود امکاناتی که همواره با آن مواجه بود. معمولا با مواد و ادوات واقعی کار می‌کرد، ما که تجربه همکاری با او را داریم می‌دانیم سر صحنه فیلم‌هایش چه می‌گذشت. شاید بخشی از هیجان و اضطرابی که موقع کار داشت به همین دلیل بود، واقعا جان همه عوامل زمان فیلمبرداری در خطر بود.

زمانی که فیلم جنگی می‌ساخت بیشتر به او حمله می‌شد، برای همین پر از عصیبت بود و مجبور می‌شد سمت ساخت فیلم‌هایی برود که در آنها هم، عصیبت و پرخاشگری وجود داشت. بعد از فوثن نگاه‌ها به او و سینمایش مهربانانه‌تر شد. دست کم در تجربه مشترکی که با او داشتم دیدم که «سفر به چزابه» آن گونه که بعدها دیده و ستایش شد، قدر ندید. برای ساخت «نجات یافتگان» به او مجوز ساخت نمی‌دادند با پروانه ساخت «سفر به چزابه» اول «نجات یافتگان» را ساخت و بعد وقتی برای آن فیلم به او پروانه دادند، فیلمبرداری «سفر به چزابه» را شروع کرد. همواره از بوروکراسی اداری و تبعیضی که زمان فیلم ساختن با آن درگیر بود، رنج کشید و به همین دلیل معمولا به شرایط معترض بود. «سفر به چزابه» نگینی درخشان در سینمای جنگ است، فیلمی که باید روی پرده دید تا متوجه عظمت و جلوه آن شد. بعد از پایان فیلمبرداری آقای ملاقلی‌پور از من خواست موقع مونتاژ فیلم را ببینم. به عنوان بازیگر جوان، خامی و گیجی در بازی‌ام داشتم که البته به باورپذیر شدن شخصیت علی کنید کرده. ملاقلی‌پور موقع تدوین، آدم دیگری می‌شد. سکانس‌های سختی که زمان فیلمبرداری ساعت‌ها وقت می‌گرفت به راحتی و به نفع فیلم کنار می‌گذاشت. فکر می‌کنم اگر سال‌های بعد با تجربه‌ای که به دست آوردم این نقش را بازی می‌کردم این شکل و شمایل را نمی‌داشتم. تجربه بازی در این فیلم غریب بود، وقتی فیلمبرداری شروع می‌شد در صحنه غرق می‌شدم و فراموش می‌کردم بخشی از یک فیلم هستم. حس می‌کنم طبیعی است تماشاگر هم پس از گذشت سال‌ها نسبت به «سفر به چزابه» چنین نگاهی داشته باشد و با دیدن آن متاثر شود. موقع فیلمبرداری «سفر به چزابه» در بعضی سکانس‌ها عوامل گریه می‌کردند، اما تعدادی از همان سکانس‌ها که مخاطب را احساساتی می‌کرد حذف شدند.

«سفر به چزابه» پروژه دشواری بود. راه دور و لوکیشن‌ی سخت در هوای سرد. موقع فیلمبرداری برف زیادی بارید و همه را به دردمس انداخت. اما کار را ادامه دادیم. با همه این دشواری‌ها به ما خوش گذشت. آقای ملاقلی‌پور گاهی عصبانی هم می‌شد اما من از او خاطرات خوش به یاد دارم. حرف‌های خوبی که درباره فیلم می‌زد در ذهنم مانده، شوخی‌هایش و طنز ذاتی‌اش فراموش نشدنی است. سیلنت و شوخ طبعی داشت که اگر با شما دوست می‌شد می‌توانستید آن بخش جناب شخصیتش را ببینید فراموشش نمی‌کردید. خوش‌ایقبال بودم که بر تردیدهایش درباره من غلبه کرد و در میانه راه با من دوست شد و این فرصت را باقیمت تا آن احوالات ویژه را با او تجربه کنم. «سفر به چزابه» از دوست یادشتری‌ترین فیلم‌های من است. جنگ تاثیر زیادی روی زندگی مردم ما گذاشته. چه آنها که مستقیم در مواجهه با جنگ بودند، چه آنها که با واسطه تحت تاثیر آن قرار گرفتند. به عنوان یک ایرانی خوشحالم که اقبال این را داشتم که در یکی از بهترین فیلم‌های رسول ملاقلی‌پور کنارش باشم. خوشحالم این فرصت به دست آمد تا در یادگاری حضور داشته باشم که صادقانه برای نسل بعد، از واقعیت جنگ می‌گوید. رسول ملاقلی‌پور فیلمسازی درجه یک و تکرار ناشدنی است، در مقایسه با سینماگران هم‌دوره‌اش بهترین آنها بود و بهترین مانند. بعد از پایان فیلم از آن رها می‌شد و به فکر فیلم بعدی بود. با اوضاع و احوال این روزها، انتشار مداوم اخبار فساد و اختلاس و رشد منفعت طلبی و مادی‌گرایی، حال و هوایی که بر زندگی ما حاکم است، دلم برای آدم‌هایی از جنس ملاقلی‌پور که صادق بودند، تنگ می‌شود.»

{فرهنگ و هنر }

حامد عنقا، نویسنده و تهیه کننده سریال «آقازاده»:

سانسور «آقازاده» سوء تفاهم بود

بخش فرهنگی – حامد عنقا نویسنده و تهیه کننده سریال «آقازاده» یکشنبه شب در گفتگوی رادیویی با برنامه «صحنه» در رادیو تهران برای اولین بار از زمان پخش سریال به سوالات حاشیه ای و مختلفی پیرامون این سریال پاسخ داد.

به گزارش خبرگزاری خیرآنلاین، عنقا درباره اینکه چرا کمتر از چیزی که انتظار می‌رفت درباره «آقازاده»‌ها در سریال می‌بینیم گفت : «واقعیت این است که آقازاده یک پلاک به گردن این سریال است؛ چون این روزها اسم نشان داری است و مردم به جهت رسانه ای سریع تر با این کلمه ارتباط می‌گیرند. وگرنه پایه سریال بر نگاه فسادستیزی و جریان هایی است که در این یکی دو سال اخیر در کف جامعه بوده و آحاد جامعه با گوشت و خونشان آن را لمس کرده اند. بنابراین این سریال صرفا روی کلمه آقازاده متمرکز نیست.»

ریتم داستانی جنایی با ریتم عشق و خیانت فرق می‌کند!

عنقا درباره کم شدن اتفاقات قصه و ریتم به اعتقاد برخی کند قصه در یکی دو قسمت اخیر هم اینگونه توضیح داد: «در فیلم و سریال ریتم تند و کند وجود ندارد، ریتم مناسب وجود دارد. ریتم اثر باید در خدمت محتوا و مفهومی که می‌خواهیم به مخاطب ارائه بدهیم، باشد. فضای ملتهب پر زد و خوردی که ممکن است به جنایت معطوف باشد ریتم خاصی را می‌طلبد، اما زمانی که می‌خواهم درون آدم‌ها و رابطه حسی شان مثل خیانت، عشق، بازگشت و توبه را نشان بدهم باید سرعتم را کم کنم. ممکن است فکر کنید اگر چند دقیقه کار را نینبید چیزی از دست نمی‌دهید اما اگر آن چند دقیقه را نبینید شاید به آن حالی که باید، نرسید. در یک سریال باید به ابعاد مختلف آن نگاه کنیم. ریتم و فرم هم از این قاعده پیروی می‌کنند. البته این حرف به معنای بی اشکال ما بودن نیست، به خیلی چیزها فکر می‌شود و روی کاغذ درست است اما شرایطی در اجرا به وجود می‌آید یا بعد از آن پشت میز تدوین احساس می‌کنی که کار خوب درنیامده یا احیانا مسائلی خارج از اراده تو ممکن است اتفاق بیفتد که به قسمتی که می‌بینیم تبدیل می‌شود.»

ماجرای سانسور آقازاده

تهیه کننده «آقازاده» ابتدا از پاسخ به سوالی درباره سانسور سریال «آقازاده» پرهیز کرد ولی در مقابل اصرار مجری این پاسخ نسبتا کوتاه را داد: «بخشی از این اتفاق حاصل سوءتفاهماتی بین وزارت ارشاد و ما بود که خیلی زود برطرف شد. بخشی از آن هم شاید تقصیر ما بود که باید بعضی چیزها را زودتر توضیح می‌دادیم. امروز از این زاویه مشکلی نیست و باید بگویم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این بخش تا جایی که امکانش بوده و توانش را داشته از همکاری و همراهی کم نگذاشته است اما بالاخره اختلاف سلیقه وجود دارد.» او در پاسخ به اینکه چرا دلایلی های سکانس های دیده نشده را منتشر کردید، گفت: «واقعا حیف نبود دیالوگی درباره حضور یک بانوی مسیحی در حرم آقا امام رضا (ع) و بیان اینکه حرم ملجا و پناهگاه هر کسی فارغ از هر دین و آیین و مذهب و گرایش فکری است از مخاطب دریغ شود؟ این کار ریسک داشت و می‌توانست باعث سوءتفاهم بیشتری بین ما و شورای پروانه نمایش شود اما هرچقدر فکر کردیم دیدیم در ایامی که به حضرات آل الله متعلق بود، نباید تماشاگر از این موضوع محروم کرد. همچنین ذهنیتی هم درباره بحث میزبی وجود دارد که همه فکر می‌کنند مربوط به حجاب و لباس است اما برخی وقتها هم موضوعات عقیدتی هم می‌آید که سوءتفاهم ایجاد می‌کند. شاید اگر ۵، ۶ قسمت دیگر با هم حرف بزنیم نظرم عوض شده باشد اما درباره موضوع سانسور حداقل تا اینجاى کار تحت فشار عجیب و غریبی قرار نگرفته ایم.»

از روز اول می‌دانستیم چه شرایط سختی خواهیم داشت

نویسنده «آقازاده» در پاسخ به سوالی درباره شباهت برخی شخصیت های این سریال به افراد حقیقی گفت: «مثل اینکه باید از این قسمت حتما توضیح بگذاریم که هرگونه شباهت با افراد تصادفی است. امیدوارم از حرفی که می‌زنم سوهربرداشت نشود اما واقعا از اولین روز پیش تولید این سریال، می‌دانستیم در چه شرایط سختی قرار خواهیم گرفت، قبل از کلید زدن کار پیش بینی می‌کردیم از کجاها به ما زنگ می‌زنند و چه کسانی حساسیت نشان خواهند داد. می‌دانستیم در فضای مجازی چه کسانی ممکن است حرف هایی بزنند و کارهایی کنند. بنابراین آگاهانه وارد این کار شدیم. تا به حال هم این موضوعات هیچ کدام باعث نشده در راهی که بنده و به خصوص بهرنگ توفیقی پیش می‌رویم خللی ایجاد شود.» عنقا در پاسخ به اینکه اگر باز هم موارد میزبی پیش بیاید چه می‌کنید گفت: «تردید نکند هر اتفاقی بیفتد مثل ماجرای قسمت ۶ رسانه ای خواهد شد. چون ما داریم درباره فسادستیزی صحبت می‌کنیم و خودمان را مقید کرده ایم هرچیزی در بطن سریال اتفاق می‌افتد با مردم به اشتراک بگذاریم و شفاف باشیم. علی‌الخصوص مستندی به نام «بوی خون» هم ساخته ایم که در آن به همه حواشی سریال پرداخته می‌شود.»

ماجرای پول های آلوده و پولشویی با فیلم و سریال سازی

عنقا در پاسخ به اینکه نظرش درباره وجود پولهایی آلوده شبکه نمایش خانگی چیست گفت : «مثل این می‌ماند که بگویید درباره غرب یا شرق نظر بده، اینها یک کل مطلق که نیستند و اجزای مختلفی دارند. در شبکه نمایش خانگی کارهای بسیار خوب و ارزنده ای ساخته شده و ان شاءالله ساخته خواهد شد و کارهایی هم ساخته شده که کمتر دوستانشان داشته ایم. هیچ تردیدی نیست که موضوع شبکه نمایش خانگی، پول و سرمایه است. شما می‌دانید که یک سریال امروز حداقل با چه هزینه ای ساخته می‌شود و وقتی فضای سالمی برای جذب سرمایه های مشخص به وجود نیاید ممکن است خیلی‌ها به اهداف مختلف، مال نامشروعشان را به این حوزه تزریق کنند.» او ادامه داد: «این روزها اسم پولشویی در سینما و سریال سازی زیاد شنیده می‌شود که من شخصا اعتقاد محکمی به آن ندارم چون برای شستن یک پول چند صدهزار میلیاردی ساختن یک سریال چندمیلiardی فایده ای ندارد. قانونی کردن منشا یک پول نامشروع فرایند سخت تری است. من معتقدم بیشتر کسانی که با پول آلوده وارد این فضا شده اند بیشتر دنبال اعتبارو برند سازی برای خودشان بوده اند و تجارت های اصلی شان در حوزه های مختلف است و این موضوع در دادگاه‌هایشان هم گفته شده است. متأسفانه با این کار در حق فرهنگ و هنر این مملکت و چهره هایی که یک عمر برای اعتبارشان عرق ریختند خیانت کردند تا برای خودشان اعتبار کاذب بسازند. این موضوع نه تنها در شبکه نمایش خانگی که در سینما و موسیقی و… نیز وجود دارد.»

یک آدم سودجو را نقد کردم نه کل حراج تهران را!

تهیه کننده سریال «آقازاده» در پاسخ به اینکه برخی می‌گویند او خودش جزو مجموعه داران آثار هنری و حتی شرکت کنندگان در حراج های هنری است اما در سریالش به این مراسم انتقاد کرده، توضیح داد: «بله، خیلی از آدمهای هنر سوار پراید می‌شوند و دارند

به پراید و ایران خودرو نقد می‌کنند، اشکالی ندارد. علاقه من به هنرهای تجسمی یک میراث خانوادگی است که در چهار نسل سابقه دارد. من به هنرهای تجسمی علاقه زیادی دارم و تا جایی که در توانم باشد پیگیر و علاقمند هستم. شما هم ممکن است سریال ما را دوست داشته باشید اما به این معنا نیست که نقدی به آن ندارید. از طرف دیگر ما درباره حراج صحبت نکردیم بلکه درباره حاشیه ای حرف زدیم که نه تنها در ایران بلکه در همه جای دنیا امثال آن رخ می‌دهد. صرف اینکه در یک مراسم آدمی سودجو حاشیه ای را رقم بزند به معنای زیر سوال بردن آن مراسم نیست.»

ماجرای احسان علیخانی و امیر آقایی چه بود؟

تهیه کننده «آقازاده» درباره اینکه آیا از حضور امیر آقایی به جای احسان علیخانی در سریال راضی هستید، گفت: «این ماجرا هم یک سوءتفاهم است. قبل از آقای علیخانی، با امیر آقایی عزیز برای این نقش صحبت کردیم ولی او عازم سفر خارج از کشور بود و فکر نمی‌کردیم برنامه اش طوری باشد که بتواند برگردد. چون می‌خواست فیلمی را در خارج از کشور با تهیه کننده ای در ترکیه کارگردانی کند. امین حیایی عزیز احسان علیخانی را پیشنهاد داد. می‌دانید که احسان از دوستان قدیمی من است و با هم کار کرده ایم و در فیلم «بدون تاریخ بدون امضا» به عنوان سرمایه گذار حضور داشتیم. ایام محرم بود، چند جلسه ای با هم مفصل صحبت کردیم و دوست داشتیم کار کنیم، احسان هم مسئله «عصر جدید» را داشت و هم دچار تردید جدی بود که به عنوان یک مجری طراز اول وارد نقشی شود که علی‌الظاهر منفی است. گفتگو با احسان در همان دو سه جلسه به انتها رسید. امیر آقایی هم به صورت تصادفی هفته بعد به ایران برگشت و دوباره حرف زدیم. این موضوع از هیچ کدام از طرفین پنهان نبود. جالب اینکه احسان علیخانی که قصه را خواند پیشنهاد خودش برای این نقش امیر آقایی بود.»



چرا همه هستند اما ریحانه پارسا نه!؟

عنقا درباره حضور بازیگران «پدر» از جمله مهدی سلطانی، لعیازنگنه و سینا مهرداد و غیبت ریحانه پارسا گفت: «ما نقشی نداشتیم که او بازی کند. نقش راضیه هم عین نقش لیلا در «پدر» بازیگری می‌خواست که مردم پیش زمینه ذهنی از او نداشته باشند اما ریحانه پارسای عزیز آنقدر در سریال «پدر» دیده شد که اگر نقش راضیه را ایفا می‌کرد مردم نسبت به او پیش زمینه داشتند. اما درباره سینا ما به این پیش زمینه احتیاج داشتیم برای همین اسم او را هم عوض نکردیم.»

وی در این خصوص که بعد از حواشی ریحانه پارسا گفته بوده دیگر با او کار نمی‌کند نیز تاکید کرد: «من به این وضوح چنین چیزی نگفته بودم. حالا که از آن اتفاق گذشته و بی طرفانه به آن نگاه می‌کنیم می‌بینیم هزار اتفاق بدتر از آن تا به حال افتاده که چنین حاشیه‌ای نداشته است. من آن زمان در مصاحبه ای گفتم که خانم پارسا بچگی کرد و تا جایی به خاطر سن کم و شهرت ناگهانی که به دست آورد به او حق می‌دهم. خانم پارسا همکار خوب ما در پدر بوده و همچنان برای او آرزوی موفقیت دارم. همین دو ماه پیش با آقای کوشکی یک شب سر صحنه آمده بود و او را دیدم. امیدوارم زندگی و کار و حرفه موفق تری داشته باشد و اگر هنوز حق پدری نسبت به او داشته باشم و بخواهم به او چیزی بگویم این است که با این همه هوش و استعدادی که دارد اگر تمرکزش را روی استعداد خودش بگذارد و حواسش را پرت چیزهای دیگر نکند مطمئنا آینده بسیار بسیار درخشانی خواهد داشت.»

ماجرای پراید و فراری

نویسنده «آقازاده» در پاسخ به یکی از مهم ترین انتقادهای سریال درباره استفاده از ماشین پراید برای شخصیت اصلی داستان‌ش این توضیح را ارائه کرد : «من ۲۰ نفر را به شما نشان می‌دهم که در این کارند و سوار پراید می‌شوند! ضمن اینکه پچه های ما سه روز با تیبیا فیلمبرداری را انجام دادند ولی من مخصوصا گفتم تیبیا را برداریم و از پراید استفاده کنیم. آقای توفیقی مخالف بود، خود سینا هم همینطور. ولی من گفتم از آنجایی که مردم عادت ندارند در سریالهای شبکه نمایش خانگی زیر پوشه و بی‌ام دیلیو ماشینیی ببینند و همه چیز باید لاچکری باشد، باور کنید که این پرآید بیشتر از ماشین فراری در ذهن آدمها می‌ماند. نتیجه اش همین سوآلی است که شما می‌پرسید. پرآید حامد را دیده ای اما آلفا رمثوی نیما را ندیده ای!»

خانه حاج رضا ۲۰ میلیارد می‌ارزد اما ساده زیست است

عنقا درباره تناقض بین خانه قدیمی حاج رضا که حداقل ۱۰ میلیارد می‌ارزد با پرآید سوار شدن پسرش، گفت: «ما هیچ جا نگفته ایم حاج رضا آدم فقیر و تنگدستی است. ساده زیستی هیچ ربطی به ثروت داشتن ندارد. (با خنده) جهت اطلاع آن خانه حداقل ۲۰ میلیارد می‌ارزد و توی سر مال نریندا! اتفاقا ارزش است که در خانه ۲۰ میلیاردی زندگی کنی اما ساده زیست باشی تا اینکه در یک خانه ۱۰۰ متری زندگی کنی اما اهل تجمل و ترف باشی. این نشان دهنده چشم و دل سیوری است و نشان می‌دهد حاج رضا از دوران پول و ثروت گذر کرده است و به چیز دیگری فکر می‌کند. بنابراین می‌تواند در یک خانه بزرگ درندشت زندگی کند اما ساده زندگی کند. از این آدمها در این شهر نداریم!؟»

فصل دو و سه ؟ دعا کنید همین را سلامت بخش کنیم

وی در پاسخ به اینکه آیا «آقازاده» فصل دو و سه هم دارد، گفت: «خیر. من دعا می‌کنم ان شاءالله بتوانیم فصل ۱ را به سلامت به انتها برسانیم! شما هم دعا کنید همین یک فصلی که ساخته ایم طیب و طاهر و سلامت در اختیار مخاطبان قرار بدیم. فصل دو و سه پیشکشمان. قصه در یک فصل نوشته شده است و ممکن است کار در ۲۷ یا ۲۸ قسمت تمام شود. اگر دقت کرده باشید تامبی که قسمتهای ما دارد از زمان دیگر سریالهای شبکه نمایش خانگی بیشتر است و اگر همه سریالها ۴۵ تا ۵۰ دقیقه هستند سریال ما ۵۵ تا ۷۰ دقیقه است.» عنقا در پایان در پاسخ به سوال پیامکی یکی از مخاطبان در این باره که چرا همیشه در فیلمنامه هایش نقش اول می‌میرد، توضیح داد: همیشه هم اینطور نبوده است. مثلا در «تنهایی لیلا» درست است کاراکتر محمد مُرد اما نقش اصلی لیلا بود. درباره «آقازاده» هم در دل قصه که برویم شاید نقش اصلی تری هم باشند.

خبر

داور برنامه استعدادیابی دچار آسیب شد



بخش فرهنگی – سایمون کاول، چهره سرشناس تلویزیونی در یک حادثه با دوچرخه دچار شکستگی از ناحیه کمر شد و در بیمارستان بستری شده است. کاول که بیشتر برای داوری در برنامه استعدادیابی «AMERICA’S GOT TALENT» شناخته شده، پس از حادثه با دوچرخه که در نزدیکی خانه‌اش در کالیفرنیا روی داده، دچار آسیب دیدگی شدیدی در ناحیه کمر شده و یک جراحی پنج ساعته داشته است.

مجله پپِل اعلام کرده که کاول در این حادثه آسیب جدی دیده است اما خوش شانس بوده و پس از جراحی حال عمومی خوبی دارد.

او که هم اکنون برای ساخت مسابقه «ANERICANS GOT TALENT» برای شبکه ان بی سی و حضور به عنوان یکی از داوران اصلی آن شناخته می‌شود پیش از این برای چندین سال داور مسابقه «آمریکن آیدل» بود. کاول همچنین از سازندگان و داوران مسابقه تلویزیونی ایکس فکتور انگلیس و ایکس فاکتور آمریکاست.

روزنامه «جهان صنعت» توقیف شد

بخش فرهنگی – روزنامه جهان صنعت به دلیل انتشار یک گفت‌وگو به طور موقت توقیف شد.

محمدرضا سعدی، مدیرمسئول روزنامه «جهان صنعت» از توقیف این روزنامه خبر داد.

سعدی در ادامه گفت: «امروز (دوشنبه ۲۰ مرداد)، در جلسه هیات نظرات بر مطبوعات، که دو نفر از اعضای آن، از جمله نماینده مجلس که هنوز تعیین تکلیف نشده، حضور نداشتند، به‌سبب انتشار یک مصاحبه در شماره روز (یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۹)، حکم به توقیف موقت روزنامه جهان صنعت داده شد. سعدی همچنین گفت: «تا این لحظه، حکم مکتوب به دست من نرسیده و حکم صرفا شفاهی، ازسوی دبیرخانه هیات نظرات ابلاغ شده است.» جهان صنعت، روزنامه‌ای با رویکرد تحلیلی است که بیشتر در حوزه اقتصاد فعالیت دارد. این روزنامه از سال ۱۳۸۳ منتشر می‌شود.

کارگردان سریال «پدر» برای شبکه یک سریال می‌سازد



بخش فرهنگی – مجموعه تلویزیونی «افرا» با کارگردانی بهرنگ توفیقی و تهیه‌کنندگی مشترک محمدکامبیز درابی و مجید مولایی وارد مرحله پیش‌تولید شد.

مجموعه تلویزیونی «افرا» با کارگردانی بهرنگ توفیقی و تهیه‌کنندگی مشترک محمدکامبیز درابی و مجید مولایی به تازگی وارد مرحله پیش‌تولید شده است.

سریال تلویزیونی «افرا» جدیدترین سریال توفیقی است. توفیقی پیشتر کارگردانی سریال‌هایی چون «پدر»، «عقیق»، «زیر پای مادر» و «پشت بام تهران» برعهده داشته است. توفیقی این روزها سریال «آقازاده» را در حال پخش از شبکه نمایش خانگی دارد.

در حال حاضر مراحل انتخاب بازیگران و عوامل پشت‌دوربین سریال جلو می‌رود.

این درام اجتماعی و خانوادگی که قصه آن در فضای معاصر می‌گذرد، برای پخش از شبکه یک آماده می‌شود.

مجید مولایی، تهیه‌کننده این سریال در کارنامه خود تهیه‌کنندگی سریال‌های متعددی از جمله «بانوی عمارت»، «چرخ فلک» و «تابرده رنج» برعهده داشته است. سازندگان به جای خلاصه داستان این متن را ارائه داده‌اند: «در پگاه مه آلود یک روز پاییزی، در زیر شاخه‌های پرشکوه افرا، فرزندی زاده می‌شود؛ حاصل وصلت شوم اخلاق و منفعت. چشمان پیر افرا، یگانه شاهد این راز در اعماق جنگل است. شهادی که آموخت در نگاه عاشقانه به زندگی، فقط صاحب تنهایی خوشی. هیچکس نبودن، اولین و آخرین قانون کتاب عشق است…»